



افتاب حق

اولین هفته‌نامه حقوقی کشور

سه‌شنبه ۳۱ تیر ماه ۱۴۰۴ • سال دوم • شماره ۱۰۷ • قیمت: ۵/۰۰۰ تومان

سرمقاله

ارزیابی حقوقی و اقتصادی بستن احتمالی تنگه هرمز

دکتر مائده چینی‌ساز - وکیل پایه یک دادگستری

«مالیات‌پردازی با نمایندگی» (Taxation with Representation) و پیوند میان «شهروندی مالیاتی» و «پاسخ‌گویی سیاسی» تأکید می‌شود. فرض اصلی این سنت نظری آن است که حق مشارکت سیاسی باید با مسئولیت مالی همراه باشد؛ به این معنا که تنها زمانی می‌توان از دموکراسی انتظار مسئولیت‌پذیری داشت که رأی‌دهندگان مستقیماً هزینه سیاست‌های عمومی را نیز متقبل شوند. این تمایزها، از دید نظریه‌پردازی چون جیمز مدیسون، الکساندر همیلتون و در قرن بیستم، جیمز بوکانان، برای حفظ تعادل میان آزادی فردی، کارایی مالی و پایداری دولت مدرن حیاتی‌اند (Buchanan ۱۹۷۵; Brennan and Buchanan ۱۹۸۰).

۲) دموکراسی توده‌ای و ظهور دولت رفاه

با گذار از الگوهای کلاسیک جمهوریت به دموکراسی‌های توده‌ای مدرن، پیوند تاریخی میان حق رأی و مسئولیت مالی به تدریج تضعیف شد. گسترش حق رأی همگانی، در نتیجه اصلاحات قرن نوزدهم و بیستم، بی‌تردید از منظر عدالت سیاسی دستاوردی تاریخی بود، اما از منظر اقتصاد سیاسی، موجب ناهم‌ترازی فزاینده‌ای میان مطالبات شهروندان و منابع مالی موجود دولت‌ها شد.

ادامه صفحه ۲

دموکراسی، دولت رفاه و بحران بدهی سرنوشت محتوم لویاتان؟

خواهند کرد؟ آینده نظام مالی جهانی و جایگاه دلار به‌عنوان ستون فقرات آن، نه به پیش‌بینی‌های اقتصادی که به پاسخ ما به این پرسش بنیادین بستگی دارد؛ پاسخی که می‌تواند جهان را به شیوه‌هایی که در یک قرن اخیر ندیده‌ایم، بازآرایی کند.

۱) جمهوری‌های تجاری و منطق انضباط مالی

در سده‌های گذشته، به‌ویژه در دوره پس از انقلاب آمریکا، مدل غالب حکمرانی بر پایه جمهوری‌های تجاری (Commercial Republics) استوار بود: دولت‌های محدود، مالیات‌های پایین، بودجه متوازن و اصل مسئولیت‌پذیری مالی. در این مدل‌ها، نمایندگی سیاسی محدود به نخبگان مالیاتی بود؛ کسانی که هزینه تصمیمات دولت را می‌پرداختند. این هم‌راستایی میان رأی و مسئولیت مالی، مانع از اتخاذ تصمیمات عوام‌گرایانه می‌شد.

(Brennan and Buchanan ۱۹۸۰).

در این رویکرد، به‌ویژه در سنت لیبرال آنگلساکسون، بر تمایز مفهومی میان «دولت محدود» (Limited Government) و



دکتر فرشید فرحناکیان



نظام مالی جهانی با بحرانی روبه‌روست که برخلاف تصور رایج، نه از اشتباه در سیاست‌گذاری‌های مالی یا تورم‌های گذرا، بلکه از بطن یک تحول ساختاری و سیاسی برمی‌خیزد: گذار از جمهوریت مبتنی بر انضباط مالی به دموکراسی‌های توده‌ای با دولت‌های رفاه گسترده. بحران بدهی صرفاً یک مساله اقتصادی نیست؛ بلکه پیامد یک تحول سیاسی عمیق است: گذار از جمهوری‌های تجاری با دولت‌های محدود به دولت‌های رفاهی گسترده که در آن‌ها، حق رأی اکثریت، ابزاری برای تأمین مالی خواسته‌های بی‌پایان از خزانه‌ای محدود شده است.

راه‌حل، دیگر در یافتن یک ترفند اقتصادی هوشمندانه یا چاپ پول بیشتر نیست. جهان با یک دوراهی فلسفی-سیاسی روبه‌رو است: آیا می‌توان نظامی طراحی کرد که هم دموکراتیک باشد و هم از نظر مالی مسئولیت‌پذیر؟ یا اینکه دموکراسی‌های مدرن، همان‌طور که برخی نظریه‌پردازان انتخاب عمومی معتقدند، سرانجام به لویاتان خود تبدیل می‌شوند و خود را در زیر بار بدهی‌هایشان مدفون

با توجه به فراگیر شدن موتورسواری زنان آفتاب حقوقی بررسی کرد

الزام دولت برای صدور گواهینامه رانندگی برای بانوان؟

از دولت این است وقتی خانم‌ها توانایی رانندگی با انواع وسائط نقلیه سبک و سنگین را دارند قطعاً توانایی با موتورسیکلت را دارند چرا باید از اخذ گواهینامه محروم باشند؟ و چرا دولت می‌خواهد این قشر از جامعه را به سوی رفتار خلاف قانون سوق دهد؟ این پرسش درحالی صورت می‌گیرد که نرخ کرایه‌ای درون شهری افزایش داشته و حمل و نقل عمومی نیز نتوانسته پاسخگوی مردم باشد و مشکلی از آمد و شد مردم را حل کند. دکتر منصور مظفری ادامه داد: موتورسواری بانوان را یکی از چالش‌های موجود دانست که بانوان از اخذ گواهینامه رانندگی و رفتار در چارچوب قانون محروم مانده‌اند خواند و گفت: تاکنون مراجع رسمی بصورت واضح علت ممنوعیت موتورسواری بانوان را بیان نکرده است ولی پلیس راهور به استناد قوانین و مقررات عمومی مربوط به حمل و نقل و عبور و مرور خود را ملزم به صدور گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت برای مردان می‌داند این در حالی است که به نظر اینجانب منع قانونی برای صدور گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت برای بانوان ایجاد نشده است. دکتر منصور مظفری با تأکید بر اینکه از نظر قانونی معنی برای صدور گواهینامه رانندگی برای بانوان نداریم گفت: اگر ملاحظات وجود دارد دولت می‌تواند موتورسیکلت‌ها را طبقه‌بندی نمایند و تا سطح خاصی از موتورسیکلت، بانوان مجاز به رانندگی باشند. در هر صورت یکی از خواسته‌های بسیاری از بانوان جامعه دریافت گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت است و رانندگی بانوان با موتورسیکلت را در سطح شهرها به وفور شاهد هستیم. یکی از چالش‌ها بروز حادثه است و باید هرچه سریع‌تر برای این چالش اندیشه کرد. تا جامعه به‌ویژه خانواده‌ها دچار مشکل نشوند و رفتار خلاف قانون نیز صورت نگیرد و می‌شود با رعایت ملاحظات و تصویب شیوه‌نامه‌هایی به چنین خواسته‌ای پاسخ مثبت داد.

ادامه در صفحه ۴



انگاری صورت نگرفته در نتیجه جرم نخواهد بود. از سوی دیگر رانندگی بدون گواهینامه جرم‌انگاری شده است. از آنجایی که برای بانوان گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت صادر نمی‌شود نتیجه‌گیری می‌شود. رانندگی بانوان با موتورسیکلت خلاف قانون و جرم است.

دکتر منصور مظفری ادامه داد: رانندگی با موتورسیکلت توسط بانوان درحال فراگیر شدن است و حتی برخی بانوان از محل رانندگی با موتورسیکلت کسب درآمد می‌کنند. زمانی که یک رفتار فراگیر می‌شود دولت برای جلوگیری از رفتار خلاف قانون و قبح زدایی از چنین رفتاری چاره‌ای بکنند. در کنار این فراگیری قطعاً درخواست وجود دارد. دولت الزام دارد به درخواست‌های مردم پاسخ دهد و دولت برای بانوان شرایطی از جمله رعایت موضوعات شرعی زمینه صدور گواهینامه رانندگی را تسهیل کند و قشر بانوان جامعه باید در برابر پاسخ دولت قانع شوند.

این وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید: یکی از سوالات بانوان

آفتاب حقوقی - گروه گزارش: موتورسواری بانوان یکی از چالش‌های حل نشده در کشور ما است. حدوداً نیمی از جمعیت کشور را خانم‌ها تشکیل می‌دهند و یکی از حقوقی که سالهاست از داشتن آن محروم مانده‌اند بحث موتورسواری و گرفتن گواهینامه است و جالب‌تر اینکه تاکنون هیچ مرجعی به صورت واضح و شفاف علت دقیق ممنوعیت موتورسواری بانوان را بیان نکرده است لذا با توجه به اهمیت موضوع، آفتاب حقوقی در این باره با دکتر منصور مظفری، دکتر الناز مهران کیا، زبیده عزیزی، ناصر صالحی و کلای پایه یک دادگستری و سیدغلامحسین موسوی زوارق حقوقدان گفت و گو کرده است.

دکتر منصور مظفری وکیل پایه یک دادگستری در خصوص اینکه آیا دولت برای صدور گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت برای خانم‌ها الزام دارد یا خیر گفت: یکی از وظایف دولت تمکین به خواسته‌های مردمی است. زمانی که رفتاری از سوی مردم در یک جامعه فراگیر می‌شود وظیفه دولت است چنانچه قانونی برای آن رفتار وجود ندارد و یا اینکه ابهامی وجود دارد نسبت به وضع قوانین و یا رفع ابهام اقدام کند. مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی چنانچه برای رفتاری مجازات در نظر گرفته شده باشد آن رفتار جرم خواهد بود. مطابق قوانین رانندگی با وسائط نقلیه، بدون گواهینامه جرم محسوب می‌گردد. علاوه بر آن چالش‌هایی را برای خانواده‌ها و جامعه و دستگاه‌های اجرایی و بیمه‌ها به وجود می‌آورد. وی گفت: در خصوص موتورسواری بانوان از آنجایی که جرم



مطابق بند تبصره (۵) ماده ۱۲ آراء دادگاه‌های صلح در خصوص مهریه، جهیزیه، نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) ماده ۱۲ در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده نباشد قطعی است یا قابل تجدیدنظر خواهی؟
پاسخ: با توجه به اطلاق بند ۳ ماده ۱۲ و بند (پ) تبصره ۵ ماده مذکور، به نظر می‌رسد کلیه آراء دادگاه صلح در خصوص دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) ماده ۱۲ قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشند ولو آن که حد نصاب دعوی مذکور کمتر از ۵۰ میلیون تومان باشد.

دموکراسی، دولت رفاه و بحران بدهی سرنوشت محتوم لویاتان؟

دکتر فرشید فرحناکیان
وکیل دادگستری



ادامه از صفحه اول:

رأی‌دهندگان که دیگر لزوماً مالیات مستقیم یا سنگینی نمی‌پردازند، می‌توانند خواهان مزایای گسترده‌ای از دولت شوند، بی‌آنکه انگیزه یا آگاهی کافی از هزینه‌های واقعی آن سیاست‌ها داشته باشند. در غیاب مکانیسم‌هایی برای هم‌راستاسازی رأی و هزینه، مجموعه‌ای از پویایی‌های نهادی شکل می‌گیرد که دولت‌ها را به‌طور ساختاری به سمت کسری بودجه، افزایش بدهی و سیاست‌گذاری‌های عوام‌گرایانه سوق می‌دهد. این همان پدیده‌ای است که نظریه انتخاب عمومی از آن با تعبیر مکانیسم برآیندهای ناکارا در دموکراسی‌های بدون محدودیت نهادی یاد می‌کند (Buchanan ۱۹۷۵؛ Olson ۱۹۸۲).

قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، شاهد گسترش حق رأی همگانی و رشد سریع دولت‌های رفاه بود. در این دگرگونی، رابطه سنتی میان مالیات‌دهنده و رأی‌دهنده از هم گسیخت. اکنون اکثریتی که خود مالیات چندانی نمی‌پردازند، می‌توانند از طریق دموکراسی، بار مالی خواسته‌های رفاهی خود را به دوش اقلیتی کوچک یا نسل‌های آتی بیندازند (Buchanan ۱۹۷۵).

این مجموعه از انگیزه‌های سیاسی در درون دموکراسی‌های توده‌ای، یعنی توانایی وعده دادن منافع کوتاه‌مدت بدون پرداختن فوری به هزینه‌های آن، سبب می‌شود که نظام‌های انتخاباتی مدرن، به‌طور ساختاری به سمت کسری بودجه و انباشت بدهی میل کنند. پدیده‌ای که حتی الکساندر همیلتون، یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده، آن را «بیماری طبیعی همه دولت‌ها» خوانده بود (Hamilton [۱۷۹۰] ۲۰۰۱، ۱۹۷). در اینجا است که نظریه‌پردازانی مانند بوکانان، با الهام از هابز، دموکراسی مدرن را در غیاب محدودیت نهادی، شبیه به لویاتانی دانستند که دائماً در حال گسترش است (Buchanan ۱۹۷۵).

۳ نمونه‌های تاریخی: از آتن تا واشنگتن

این روند جدید نیست. تاریخ، نمونه‌هایی از فروپاشی مالی در اثر رشد بدون مهار دموکراسی را نشان داده است. در آتن باستان، پس از گسترش دموکراسی مستقیم و یارانه‌های عمومی، تعادل مالی شهر فروپاشید و قدرت نظامی آن تحلیل رفت (Plutarch, Lives). در دنیای معاصر، آرتانتین نمونه‌ای کلاسیک از چرخه عوام‌گرایی، بازتوزیع گسترده و بحران بدهی است (Olson ۱۹۸۲) و در ایالات متحده، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، از حدود ۳۰٪ در دهه ۱۹۸۰ به بالای ۱۲۰٪ در دهه ۲۰۲۰ رسیده است (CBO ۲۰۲۴).

این گسست نهادی را می‌توان به‌وضوح در تجربه دموکراسی‌های رفاه محور اروپای غربی و همچنین در ایالات متحده مشاهده کرد. در اروپا، پس از جنگ جهانی دوم، گسترش گسترده خدمات اجتماعی، بیمه‌های بازتوزیعی و حمایت‌های مالی، به‌تدریج بار مالی سنگینی بر دولت‌های ملی وارد کرد؛ درحالی‌که رشد اقتصادی پایدار یا جمعیت جوان برای جبران آن وجود نداشت. بحران بدهی دولت‌های جنوب اروپا (یونان، ایتالیا، پرتغال) در دهه ۲۰۱۰ را می‌توان مستقیماً نتیجه همین ناهماهنگی دانست.

در ایالات متحده نیز، گرچه نظام رفاهی به‌اندازه اروپا گسترده نیست، اما سیاست‌گذاران با فشارهای سیاسی فزاینده‌ای برای گسترش خدمات عمومی و کاهش مالیات‌ها به‌صورت هم‌زمان مواجه‌اند؛ مطالباتی که منجر به رشد سرسام‌آور کسری ساختاری بودجه و بدهی فدرال شده است (CBO ۲۰۲۴). از آنجاکه دلار همچنان ارز ذخیره جهانی است، آمریکا موقتاً از عواقب شدید این بدهی در امان مانده، اما این وضعیت شکننده است (Eichengreen ۲۰۱۱).

بدین ترتیب، بحران بدهی در دموکراسی‌های معاصر نه صرفاً یک مشکل اقتصادی، بلکه تجلی شکست در معماری نهادی است: از هم گسیختن رابطه میان قدرت سیاسی و مسئولیت مالی. اگر این

رابطه بازسازی نشود؛ چه از طریق قواعد مالی سخت‌گیرانه، اصلاحات قانون اساسی، یا بازتعریف نقش دولت رفاه، نظام‌های دموکراتیک ممکن است ناخواسته خود را به لبه فروپاشی مالی و سیاسی برسانند؛ سناریویی که پیش‌تر در آتن باستان و امروز در پاریس یا واشنگتن در حال تکرار است.

۴ دوراهی فلسفی: طراحی نظامی که هم دموکراتیک باشد و هم از نظر مالی مسئولیت‌پذیر؟

جهان اکنون با این پرسش بنیادین روبه‌روست: آیا می‌توان نهادهایی طراحی کرد که در عین دموکراتیک بودن، پایداری مالی را تضمین کنند؟ یا اینکه دموکراسی‌های توده‌ای، ناگزیر به سقوط در دام مالی خود هستند، همان‌گونه که نظریه انتخاب عمومی هشدار می‌دهد (Brennan and Buchanan ۱۹۸۰؛ Olson ۱۹۸۲)؟

سقوط در باتلاق بدهی، صرفاً نتیجه بی‌انضباطی مالی نیست، بلکه محصول تعارضی نهادی میان گسترش افقی حقوق سیاسی و محدودیت‌های عمودی منابع مالی است. از میانه قرن بیستم به این سو، بسیاری از دموکراسی‌ها مسیر گذار از «جمهوری‌های محدود» به «دولت‌های رفاهی توده‌ای» را پیموده‌اند. در این روند، حق رأی همگانی بدون همراهی با مسئولیت مالی متناظر، شرایطی را پدید آورده که در آن مطالبه عمومی برای هزینه کرد بیشتر، بر توان مالیاتی و نهادی دولت پیشی گرفته است.

نظریه‌پردازان انتخاب عمومی همچون جیمز بوکانان و مانکور اولسون، پیش‌تر هشدار داده بودند که در غیاب سازوکارهای نهادی محدودکننده، ائتلاف‌های مطالباتی در نظام‌های دموکراتیک می‌توانند به خلق سیاست‌های مالی ناکارا، گسترش دیوان‌سالاری و انباشت مزمن بدهی بیانجامند (Brennan & Buchanan ۱۹۸۰؛ Olson ۱۹۸۲). این روند، به‌تدریج «هسته مولد اقتصاد» را تضعیف و نظم نهادی را از درون فرسوده می‌کند.

در پاسخ به این بحران ساختاری، برخی کشورها، به‌ویژه دموکراسی‌های کوچک با سنت‌های مالی محافظه‌کارانه، راهکارهای نهادی برای مهار پوپولیسم مالی طراحی کرده‌اند. یکی از نمونه‌های شاخص، سوئیس است که با تصویب قانون «ترمز بدهی» در سال ۲۰۰۱، دولت فدرال را ملزم ساخت که در طول چرخه‌های اقتصادی، بودجه‌ای متوازن داشته باشد. سوئیس با اجرای «ترمز بدهی» (Schuldenbremse) و ارجاع برخی مسائل مالی به همه‌پرسی، الگویی است از امکان تعادل دموکراسی و پایداری مالی (IMF ۲۰۱۶).

مهم‌تر آن که بسیاری از اصلاحات مالی عمده در این کشور، نه از طریق تصمیمات پارلمانی بلکه از مسیر همه‌پرسی ملی اجرایی شده‌اند؛ فرآیندی که هم مشروعیت دموکراتیک را تضمین کرده و هم انضباط مالی را نهادینه ساخته است (IMF ۲۰۱۶).

در نمونه‌های دیگر، سوئد پس از بحران مالی دهه ۱۹۹۰، اصلاحات گسترده‌ای در چارچوب بودجه‌ریزی، استقلال بانک مرکزی و محدودسازی هزینه‌های جاری اعمال کرد؛ درحالی‌که همچنان سطح



بالایی از رفاه اجتماعی را حفظ کرد. این نشان می‌دهد که پایداری مالی لزوماً با پسر رفت دموکراتیک یا کاهش عدالت اجتماعی همراه نیست؛ بلکه نیازمند طراحی نهادی هوشمندانه، شفافیت اطلاعاتی و شکل‌دهی به ترجیحات مالی رأی‌دهندگان است (Anderson & Bergman ۲۰۲۰).

پاسخ به این پرسش؛ که آیا می‌توان نظامی طراحی کرد که هم دموکراتیک باشد و هم از نظر مالی پایدار؟، درنهایت وابسته به آن است که دموکراسی‌ها تا چه اندازه بتوانند خود را اصلاح کنند پیش از آن که شرایط اقتصادی، آنان را وادار به ریاضت یا فروپاشی کند. در غیر این صورت، همان‌گونه که بوکانان هشدار داد، دموکراسی‌های مدرن ممکن است به دست خود، لویاتانی خلق کنند که نه از بیرون، بلکه از درون خویش سقوط می‌کند.

در قلب بحران بدهی، مسئله‌ای بنیادین قرار دارد: ترجیح زمانی کوتاه‌مدت رأی‌دهندگان و سیاستمداران در برابر نیاز به پایداری بلندمدت. سیاستمداران با انگیزه‌های انتخاباتی، غالباً وعده‌هایی می‌دهند که هزینه آن‌ها به آینده منتقل می‌شود؛ آینده‌ای که رأی نمی‌دهد. در این شرایط، پیشنهادهایی چون: (۱) تدوین قواعد مالی در قانون اساسی؛ (۲) تشکیل شوراهای مستقل بودجه‌ریزی (Fiscal Councils)؛ (۳) ارجاع تصمیمات مالی کلان به رفراندوم؛ (۴) شفافیت بین نسلی در بودجه (Intergenerational Balance) می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد. به‌بیان دیگر، اگر دموکراسی‌ها بخواهند از سقوط در دام بدهی خود بگریزند، باید دموکراسی را از درون بازآفرینی کنند؛ نه با تقلیل حق رأی، بلکه با نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری، شفافیت و محدودیت‌های قانونی.

روشن‌ساز کلام: پیامدهای جهانی بحران بدهی

با در نظر گرفتن نقش دلار به‌عنوان ارز ذخیره جهانی، تداوم رشد بی‌رویه بدهی عمومی در ایالات متحده نه‌تنها یک چالش داخلی، بلکه تهدیدی برای ثبات ساختار مالی بین‌المللی محسوب می‌شود. همان‌طور که آیشنگرین (Eichengreen ۲۰۱۱) هشدار داده، اگر ایالات متحده نتواند نظام مالی خود را به شیوه‌ای قابل اعتماد مدیریت کند، اعتماد بازیگران بین‌المللی به دلار نیز متزلزل خواهد شد؛ تحولی که نه‌تنها می‌تواند به بازتعریف نظم پولی جهانی بینجامد، بلکه ممکن است به پایان «امتياز انحصاری» (Exorbitant Privilege) آمریکا در نظام مالی بین‌الملل منجر شود. این امتیاز که تاکنون امکان تأمین مالی ارزان قیمت کسری‌ها از طریق چاپ پول و جذب سرمایه جهانی را فراهم ساخته، در صورتی که پشتوانه نهادی و اعتماد بازارهای جهانی را از دست دهد، به یک ریسک سیستمی جهانی بدل خواهد شد.

در شرایطی که بدهی عمومی آمریکا از ۳۴ تریلیون دلار فراتر رفته و پیش‌بینی‌ها حاکی از ناپایداری ساختاری آن در دهه پیش روست (CBO ۲۰۲۴)، نظام مالی بین‌الملل با چالشی روبه‌روست که پیش‌تر صرفاً فرضی تلقی می‌شد: تزلزل جایگاه دلار به‌عنوان ستون فقرات نظام مالی جهانی. اعتماد جهانی به دلار تا حد زیادی ناشی از ثبات سیاسی و مالی ایالات متحده، عمق بازار اوراق خزانه‌داری و نبود جایگزینی قابل اعتماد بوده است؛ اما اگر ایالات متحده نتواند بدهی‌های خود را در بلندمدت مهار کند، روندی خزنه‌د اما پیوسته در تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی جهان شکل خواهد گرفت. در این میان، برخی قدرت‌های جهانی در پی بهره‌برداری از این فرصت برآمده‌اند. چین از طریق ابتکار کمربند و جاده و قراردادهای دوجانبه تسویه با یوان، تلاش کرده موقعیت ارز خود را تقویت کند. با وجود ضعف‌هایی چون کنترل سرمایه و عدم آزادی حساب سرمایه، استفاده منطقه‌ای از یوان در آسیا و آفریقا به‌تدریج در حال گسترش است (Subacchi ۲۰۲۰).

در سطح دیگر، برخی کشورها به سمت ذخایر

چنانچه شخصی دعوی ابطال شناسنامه و الزام به صدور شناسنامه را همزمان مطرح نماید، با توجه به این که دعوی صدور شناسنامه و یا دعوی اصلاح شناسنامه در صلاحیت دادگاههای صلح می باشد و ابطال شناسنامه در صلاحیت دادگاه حقوقی است، آیا هر کدام از دادگاهها باید به طور جداگانه به دعاوی مذکور رسیدگی نمایند؟

پاسخ (نظر اکثریت): نظر به این که یکی از نتایج مسلم صدور حکم به ابطال شناسنامه، صدور شناسنامه جدید و یا اصلاح شناسنامه می باشد، از آنجایی که دعوی ابطال شناسنامه در صلاحیت دادگاه حقوقی می باشد، جهت جلوگیری از صدور آراء معارض، اقتضای رسیدگی توأم را ایجاد می نماید. بنابراین دادگاه با صلاحیت بالاتر (دادگاه حقوقی) صالح به رسیدگی به دعوی صدور شناسنامه و یا اصلاح آن نیز خواهد بود.

یادداشت حقوقی

سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ • سال دوم • شماره ۱۰۷

بیمه بیکاری چگونه پرداخت می شود؟

آتش سوزی و... بیکار می شوند با معرفی واحد کار و امور اجتماعی محل از مقرری بیمه بیکاری استفاده خواهند کرد.

ب- بیمه شده مکلف است ظرف (۳۰) روز از تاریخ بیکاری با اعلام مراتب بیکاری به واحدهای کار و امور اجتماعی آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی و یا مشابه آن اطلاع دهد. مراجعه بعد از سی روز با عذر موجه و با تشخیص هیئت حل اختلاف تا سه ماه امکان پذیر خواهد بود.

ج- بیمه شده بیکار مکلف است در دوره های کارآموزی و سوادآموزی که توسط واحد کار و امور اجتماعی و نهضت سوادآموزی و یا سایر واحدهای ذیربط با تایید وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می شود شرکت نموده و هر دو ماه یکبار گواهی لازم در این مورد را به شعب تامین اجتماعی تسلیم نماید.

افراد برای اعلام بیکاری چقدر فرصت دارند؟

طبق ماده ۶ قانون بیمه بیکاری افراد برای دریافت مقرری بیمه بیکاری باید حداکثر تا ۳۰ روز از تاریخ بیکاری دست به کار شوند و موضوع را به واحدهای تعاون، کار و رفاه اجتماعی مربوطه اطلاع دهند و آمادگی خود را برای اشتغال مجدد اعلام کنند.

اگر بیشتر از یک ماه از بیکاری فرد گذشته باشد، باید با شرح دلایل قانع کننده و نامه کارفرما به شعبه تامین اجتماعی که کد کارگاه کارفرما در آنجا قرار دارد، مراجعه کند. مبلغ بیمه بیکاری اشخاص واجد شرایط از روز اول شروع بیکاری آنان محاسبه و پرداخت می شود.

مبلغ و مدت پرداخت مقرری ماهانه فرد بیکار

میزان مقرری ماهانه فرد بیکار، حداقل ۵۵ درصد میانگین حقوق ۳ ماه آخر پیش از بیکاری است. برای هر نفر تحت تکفل ۱۰ درصد دیگر اضافه می شود که البته سقف آن ۸۰ درصد میانگین مزد است و نباید از حداقل دستمزد قانونی کمتر باشد.

مدت پرداخت این مقرری نیز وابسته به سابقه بیمه فرد است. برای افراد مجرد حداکثر ۳۶ ماه و برای افراد متأهل یا دارای افراد تحت تکفل، تا سقف ۵۰ ماه پرداخت انجام می شود، به شرط آنکه این مدت از مجموع سابقه پرداخت حق بیمه فرد تجاوز نکند.

اطلاع از شرایط و نحوه استفاده از بیمه بیکاری، برای هر فرد بیمه شده ای مفید است.

طبق ماده ۲ قانون بیمه بیکاری: بیکار به شخص بیمه شده ای گفته می شود که بدون میل و اراده خود بیکار شده و اکنون آماده به کار است و می تواند در محیط کار جدید فعالیت خود را آغاز کند.

براساس قانون، اگر فرد بیمه شده به علت تغییرات ساختار اقتصادی محل کار و بنا به تشخیص وزارتخانه مربوطه و تأیید شورای عالی کار، شغل خود را از دست دهد، «بیکار موقت» شناخته می شود و مشمول قانون بیمه بیکاری است. این قانون در مورد بیمه شدگانی که به خاطر حوادث غیرمترقبه مانند سیل، زلزله، جنگ و آتش سوزی شغل خود را از دست می دهند نیز صدق می کند.

ارادی یا غیرارادی بودن بیکاری فرد، به تشخیص کمیته ای متشکل از نمایندگان سازمان تامین اجتماعی و اداره کار و امور اجتماعی محل اشتغال بیمه شده بستگی دارد.

شرایط استفاده از بیمه بیکاری

مطابق ماده ۶ قانون بیمه بیکاری، فرد باید حداقل ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد مگر آنکه به موجب بروز حوادث قهریه و غیرمترقبه مانند جنگ بیکار شوند که در این صورت از این مورد مستثنی می شوند. همچنین طبق ماده ۲ قانون، بیکاری باید غیرادولتانه باشد؛ یعنی فرد به خواست خود کار را ترک نکرده باشد. کارگر باید حداکثر تا یک ماه پس از بیکار شدن به اداره کار مراجعه و اعلام بیکاری کند، مگر اینکه عذر موجهی مانند بیماری یا بستری شدن داشته باشد که در آن صورت این مهلت تا ۳ ماه نیز قابل تمدید است.

ماده ۶ قانون بیمه بیکاری در این زمینه مقرر می دارد: بیمه شدگان بیکار در صورت احراز شرایط زیر استحقاق دریافت مقرری بیمه بیکاری را خواهند داشت:

الف- بیمه شده قبل از بیکار شدن حداقل (۶) ماه سابقه پرداخت بیمه را داشته باشد. مشمولین تبصره (۲) ماده (۲) این قانون از شمول این بند مستثنی می باشد. (تبصره (۲) ماده (۲): بیمه شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه و غیرمترقبه از قبیل سیل، زلزله، جنگ،

یادداشت

جبران خسارت عرضه کالای معیوب

فردی اقدام به خریدار لاستیک خودرو نموده اما بدلیل ترکیدن لاستیک خودرو و انحراف آن و واژگونی منجر به آتش سوزی خودرو او می شود آیا خریدار می تواند علیه فروشنده، واسطه های توزیع و تولیدکننده کالا مطالبه خسارت مطرح کند

و چنانچه نوع کالا به گونه ای باشد که عیب درونی و مخفی باشد و با عیب مستقیم (عرضه کننده کالا) مدعی شود چهل به عیب داشته و از واسطه های خرخره توزیع (عمده فروش) خریداری کرده و اساساً عیب از تولیدکننده (کارخانه) است و متناسب به وی نیست تکلیفی به پرداخت خسارت دارد یا خیر؟

قانون گذار در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در مقام بیان مسئولیت عرضه کنندگان کالا و خدمات (بند ۱-۲ ماده یک) در قبال عیب کالا، همان قواعد عام رسیدگی قانون مدنی

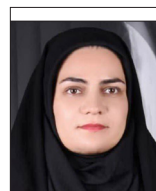


سید بهادر بهادری
وکیل پایه یک دادگستری

یادداشت

حضانت فرزند بعد از ۷ سالگی

آیا پدر می تواند فرزندش که تحت نظارت مادر (همسر سابق) می باشد و به سن ۷ سالگی رسیده بدون اخذ حکم از دادگاه و بدون موافقت مادر صرفاً به لحاظ اینکه طفل به ۷ سال تمام رسیده است رأساً اعمال حق کند و پس از آنکه طفل را برای ملاقات تحویل گرفته است از استرداد آن امتناع کند یا اینکه حتماً می بایست



عزراخبراندیش
وکیل پایه یک دادگستری

ادامه از صفحه قبل

غیر سنتی مانند طلا، سبدهای ارزی منطقه ای، یا حتی دارایی های دیجیتال روی آورده اند. برای نمونه، بانک های مرکزی در سال های اخیر به بالاترین سطح خرید طلا از زمان جنگ سرد رسیده اند (IMF ۲۰۲۳) و پروژه هایی چون ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) در چین، اروپا و هند، حکایت از گذار تدریجی به نظم پولی چندقطبی دارند.

با این حال، جایگزینی دلار نه به سرعت ممکن است و نه بدون تبعات. ساختار بازارهای مالی، عمق نقدینگی و قابلیت تبدیل دلار هنوز بی رقیب است؛ اما اگر ایالات متحده به بحران بدهی خود بی تفاوت بماند، قدرت نرم مالی آن؛ که شاید مهم تر از قدرت نظامی اش باشد، رو به افول خواهد گذاشت. چنین تحولی می تواند پیامدهایی ژئوپلیتیکی داشته باشد که توازن قدرت جهانی را از غرب به شرق یا جنوب جهانی منتقل کند؛ تحولی که نه با جنگ، بلکه با بحران بدهی رقم خواهد خورد.

فهرست منابع:

- Brennan, Geoffrey, and James Buchanan. 1980. The Power to Tax: Analytical Foundations of a Fiscal Constitution. Cambridge: Cambridge University Press.
- Buchanan, James. 1975. The Limits of Liberty: Between Anarchy and Leviathan. Chicago: University of Chicago Press.
- CBO (Congressional Budget Office). 2024. The Budget and Economic Outlook: 2024 to 2034. Washington, DC: CBO.
- Eichengreen, Barry. 2011. Exorbitant Privilege: The Rise and Fall of the Dollar and the Future of the International Monetary System. Oxford: Oxford University Press.
- Hamilton, Alexander. (1790) 2001. Report on Public Credit. In The Papers of Alexander Hamilton, Vol. 6, edited by Harold C. Syrett. New York: Columbia University Press.
- Hayek, Friedrich A. 1944. The Road to Serfdom. London: Routledge.
- IMF (International Monetary Fund). 2016. Switzerland: Selected Issues. IMF Country Report No. 16/50.
- Olson, Mancur. 1982. The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities. New Haven: Yale University Press.
- Plutarch. Parallel Lives.

(ترجمه بر اساس نسخه های تاریخی کلاسیک)

یادداشت

اعتبار پروانه وکالت خارجی در ایران



آتینا انوری
وکیل پایه یک دادگستری

آیا اتباع خارجی دارای پروانه وکالت از کشور متبوع خود توانایی انجام و مداخله در پرونده های قضایی ایران همانند وکلای ایرانی را دارند؟

برابر بند ۱ ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، به اتباع خارجه اجازه وکالت داده نمی شود و مطابق ماده ۳۳ قانون آیین

دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ «وکالی متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنها مقرر گردیده است». بنابراین در فرض سؤال، شخصی که فاقد پروانه وکالت دادگستری از مراجع صالح ایرانی است، نمی تواند به عنوان وکیل دادگستری در محاکم قضایی اقدام کند؛ هرچند دارای پروانه وکالت از یک کشور خارجی باشد. بدیهی است وکالت ایشان از سوی موکل در حد وکالت مدنی قابل پذیرش بوده و چنانچه حق توكيل به غیر داشته باشد، می تواند با اعطای وکالت به احدی از وکلای دادگستری، حقوق موکل خود را استیفا کند.



16- با توجه به احصاء صلاحیت دادگاه‌های صلح در ماده ۱۲ قانون، چنانچه در دادگاه صلح زوجه علاوه بر مطالبه مهریه، درخواست تامین خواسته و یا دستور موقت نیز نماید آیا اتخاذ تصمیم و صدور قرار نهایی در این رابطه در صلاحیت دادگاه صلح می باشد یا محاکم عمومی؟
پاسخ (نظر اکثریت): دادگاه صلح یک مرجع قضایی و با صلاحیت های خاص است. با توجه به ماده ۱۷ قانون و همچنین مواد ۱۰۹ و ۳۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ رسیدگی به مواردی از قبیل قرار تامین خواسته یا دستور موقت

ادامه در صفحه بعد ➔

گزارش حقوقی

با توجه به فراگیر شدن موتورسواری زنان آفتاب حقوقی بررسی کرد

الزام دولت برای صدور گواهینامه رانندگی برای بانوان؟

ادامه از صفحه اول:

دکتر الناز مهران کیا وکیل پایه یک دادگستری نیز در خصوص اینکه وظیفه دولت در خصوص صدور گواهینامه رانندگی، موتورسیکلت برای بانوان چیست به خبرنگار ما گفت: با توجه به اینکه صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان یکی از موضوعات مهم و رو به رشد در جوامع مختلف و از جمله جامعه ایرانی می باشد. با عنایت به اینکه مشارکت زنان در فعالیت اجتماعی و اقتصادی افزایش یافته و امکان دسترسی آنها به وسیله نقلیه موتوری نیز رو به افزایش است با بررسی جوانب مختلف سوالاتی مطرح است.



اولین پرسشی که مطرح است اینکه آیا ممنوعیت موتورسواری بانوان برداشته شده و یا اینکه می توانند گواهینامه بگیرند؟ و آیا پلیس، خانم های موتورسوار را متوقف و وسیله نقلیه را به پارکینگ هدایت می نماید باید گفت: با تفاوت اساسی ۲ سوال متداول این تناقض کاملاً واضح است و این در حالی است که رانندگی خودرو و دوچرخه و داشتن گواهینامه پایه یک و پایه دو و همچنین پایه سه برای بانوان ممنوعیتی ندارد. و با توجه به اینکه در نظام ایران هیچ ممنوعیتی یا الزام خاصی برای صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان وجود ندارد. براساس اصول کلی حقوقی و مقررات مربوط به صدور گواهینامه رانندگی بهتر است این موضوع را ابتدا از نظر اهمیت و مزایای صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان مورد بررسی قرار دهیم.

این وکیل پایه یک دادگستری گفت: می توان به توانمندسازی زنان اشاره کرد، چرا که صدور گواهینامه موتورسیکلت به زنان این امکان را می دهد تا استقلال بیشتری در آمد و شد داشته باشند این استقلال می تواند به افزایش اعتماد به نفس و توانایی های اجتماعی و اقتصادی آنان نیز کمک کند.

در مرحله دوم؛ می توان به تسهیل در حمل و نقل اشاره نمود یعنی با داشتن گواهینامه موتورسیکلت می توانند به راحتی بین محل کار، خانه و سایر مکان ها تردد کنند. این امر می تواند به بهبود کیفیت زندگی و تسهیل در انجام امور روزمره کمک نماید. و در مرحله سوم؛ می تواند به کاهش ترافیک و آلودگی اشاره شود و موتورسیکلت ها به دلیل ابعاد کوچک و امکانات مقرون به صرفه تر خود، می توانند به کاهش ترافیک و آلودگی هوای شهرها کمک کنند.

دکتر الناز مهران کیا با اشاره به چالش هایی که بانوان در رابطه با این موضوع مطرح شده مواجه هستند به خبرنگار ما گفت: موانع فرهنگی؛ یعنی در قشر خاصی از جامعه ممکن است فرهنگها و باورهای سنتی مانع از تصویب و صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان شود این موانع می تواند به عدم حمایت اجتماعی و قانونی از این موضوع منجر شود.

چالش دیگری که روبرو هستند عدم دسترسی به آموزش؛ بسیاری از زنان به آموزش های لازم برای رانندگی با موتورسیکلت دسترسی ندارند. رفع این مشکل نیاز به ایجاد برنامه های آموزش ویژه برای بانوان دارد. راهکارهایی که در رابطه با این موضوع می توان مطرح کرد: برگزاری دوره های آموزشی ویژه بانوان می تواند به بالا بردن آگاهی و مهارت های رانندگی آنان کمک کند این دوره ها می توانند شامل آموزش های علمی و تئوری باشند و یا ترویج فرهنگ استفاده از موتورسیکلت در بین زنان از طریق رسانه ها و برنامه های آموزشی می تواند به افزایش آگاهی اجتماعی کمک کند و نیاز تغییرات قانونی برای تسهیل در صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان وجود دارد و این تغییرات باید با در نظر گرفتن نیازها و خواسته های زنان صورت گیرد. به عنوان نتیجه گیری می توان بیان داشت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان نه تنها به توانمندسازی آنها کمک می کند بلکه می تواند به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی و قانونی جامعه نیز منجر شود، البته با ایجاد زیرساخت های مناسب



دکتر مظفری: اگر ملاحظات وجود دارد دولت می تواند موتورسیکلت ها را طبقه بندی نمایند و تا سطح خاصی از موتورسیکلت، بانوان مجاز به رانندگی باشند. در هر صورت یکی از خواسته های بسیاری از بانوان جامعه دریافت گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت است و رانندگی بانوان با موتورسیکلت را در سطح شهرها به وفور شاهد هستیم. عزیزی: در تبصره ای از ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی آمده است که «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است». همین تبصره مبنای امتناع پلیس از صدور گواهینامه برای بانوان قرار گرفته است، هرچند در متن قانون اصلی چنین تفکیکی وجود ندارد

موسوی زوارق: در فقدان منع شرعی و قانونی صریح، به نظر می رسد راه حل این معضل در تدوین و اصلاح آیین نامه اجرایی قانون راهنمایی و رانندگی است تا با وضع مقررات شفاف، شرایط صدور گواهینامه موتور برای بانوان با لحاظ ملاحظات فرهنگی و اجتماعی فراهم گردد. این اصلاح، علاوه بر رعایت اصول قانون اساسی و رفع تبعیض جنسیتی، در عمل منجر به افزایش ایمنی، تحت پوشش قرار گرفتن بیمه، و کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از موتورسواری غیرقانونی بانوان خواهد شد

صالحی: نکته مهم در راستای قانون مداری نیز نشان می دهد بانوان در استفاده از تجهیزات ایمنی مانند کلاه ایمنی اهتمام بیشتری دارند لذا عدم امکان صدور گواهینامه، نه تنها موجب محرومیت بانوان از حق قانونی آن ها شده، بلکه در صورت بروز حادثه، صندوق پرداخت خسارت های بدنی را با مسئولیتی تحمیلی روبه رو می کند که در جهت تضییع حقوق عامه و نوعی هدر رفت بیت المال است

آموزش و قانونی می توانیم به زنان این امکان را بدهیم که به راحتی از موتورسیکلت استفاده کنند. در این زمینه سهم داشته باشیم. وی در پایان ادامه داد: به عنوان وکیل دادگستری و جامعه ایرانی و به نمایندگی از برخی بانوان این سرزمین از مقام صلاحیت دار تقاضا دارم با توجه به اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به رفع تبعیض ها تأکید دارد و همچنین با در نظر داشتن اصل

۱۹ قانون اساسی در مورد برابری حقوق افراد هرگونه منع یا الزام خاص در این زمینه نیاز به تصریح قانونی دارد که در حال حاضر وجود ندارد و از منظر حقوقی صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان در ایران نه تنها ممنوع نیست بلکه در صورت احراز شرایط عمومی (مانند حداقل سن، سلامت جسمی و گذراندن آزمون ها) کاملاً امکان پذیر است و با توجه به مواد قانونی رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ که در این مواد به شرایط عمومی اخذ گواهینامه اشاره کرده و هیچ تفکیک جنسیتی در آن ذکر نشده است و در آیین نامه اجرایی قانون راهنمایی و رانندگی (مصوب ۱۳۸۴) هیچ محدودیتی برای بانوان در خصوص اخذ گواهینامه موتورسیکلت پیش بینی نشده است. نسبت به صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان مساعدت بفرمایید.

خانم عزیزی در این باره می گوید: چند سالی است موضوع موتورسواری بانوان در ایران به یکی از چالش های اجتماعی، حقوقی و حتی مذهبی تبدیل شده است. زنان بسیاری تمایل به استفاده از موتورسیکلت دارند، چه برای ورزش و چه برای حمل و نقل شخصی، اما در عمل با موانع جدی مواجه می شوند.

وی ادامه داد: هرچند در هیچ یک از قوانین جاری کشور، ممنوعیتی برای موتورسواری بانوان پیش بینی نشده است، اما پلیس راهنمایی و رانندگی از صدور گواهینامه موتورسیکلت برای آنان امتناع می کند؛ موضوعی که ریشه در خلأ آیین نامه ای و نه در قانون دارد. این وکیل پایه یک دادگستری اظهار کرد: ماده ۲۶ آیین نامه راهنمایی و رانندگی، مقرر کرده است که "هر کس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی رانندگی نماید باید گواهی نامه متناسب رانندگی با آن وسیله نقلیه را دارا باشد با متخلفان برابر قوانین و مقررات رفتار می شود". و در این ماده، هیچ اشاره ای به جنسیت نشده است.

خانم عزیزی افزود: با این حال در تبصره ای از ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی آمده است که «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است». همین تبصره مبنای امتناع پلیس از صدور گواهینامه برای بانوان قرار گرفته است، هرچند در متن قانون اصلی چنین تفکیکی وجود ندارد.

وی مطرح کرد: در متن تبصره صرفاً قید شده است که صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی است، اما در خصوص زنان سکوت مطلق دارد. از حیث حقوقی و اصول تفسیر، سکوت در قانون دلالت بر منع ندارد، مگر آنکه صراحتاً ممنوعیتی ذکر شود.

این وکیل پایه یک دادگستری درباره قاعده تفسیر مضیق در محدودیت ها، گفت: در حقوق عمومی، خصوصاً زمانی که به محدودیت حقوق و آزادی های شهروندان می پردازیم، اصل بر تفسیر مضیق و محدود کردن تفسیر به نفع آزادی های فردی است. بنابراین، نمی توان از این تبصره نتیجه گرفت که زنان از دریافت گواهینامه منع شده اند.

خانم عزیزی بیان کرد: چندی پیش، شکایتی از سوی یکی از بانوان اصفهانی علیه راهنمایی و رانندگی طرح شد که در مرحله بدوی به نفع وی رای صادر شد، اما در مرحله تجدیدنظر این رای نقض گردید. استدلال دادگاه تجدیدنظر نیز فقدان پیش بینی قانونی صریح برای الزام پلیس به صدور گواهینامه برای زنان بود.

به عقیده بسیاری، هیچ منع شرعی برای موتورسواری زنان وجود ندارد

وی عنوان کرد: در فقه اسلامی و آراء علماء، هیچ منع شرعی برای موتورسواری زنان وجود ندارد. آنان بر این باورند که در صورت رعایت پوشش اسلامی و پرهیز از رفتارهای خلاف عفاف، موتورسواری بانوان بلااشکال است. حتی با استناد به تاریخ اسلام، می توان یادآور شد که زنان در صدر اسلام سوار شتر و اسب می شدند و این عمل نهی نشده است. این موضوع در چارچوب اصل ۲۰ قانون اساسی که بر برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد، حائز اهمیت است.

ادامه در صفحه بعد ➔

در صلاحیت داد گاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد، بنابراین بارعایت ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، دادگاه صلح صالح به رسیدگی به مواردی از قبیل صدور قرار تأمین خواسته و دستور موقت خواهد بود.

گزارش حقوقی

این وکیل پایه یک دادگستری اذعان داشت: از منظر اجتماعی، فراهم شدن بستر قانونی برای موتورسواری بانوان می تواند موجب افزایش استقلال فردی، کاهش هزینه های حمل و نقل و بهبود فرصت های شغلی و ورزشی زنان شود.

وی ادامه داد: البته برخی منتقدان معتقدند موتورسواری زنان در معابر عمومی ممکن است با عرف جامعه و حفظ حریم عفاف مغایرت داشته باشد و باید برای آن محدودیت هایی مانند محدود بودن به معابر خاص یا الزام به پوشش های معین پیش بینی شود. این نگرانی ها از منظر فرهنگی قابل درک است اما نمی تواند مستمسک برای محرومیت مطلق زنان از یک حق شهروندی مشروع و قانونی باشد.

وی ابراز داشت: در فقدان منع شرعی و قانونی صریح، به نظر می رسد راه حل این معضل در تدوین و اصلاح آیین نامه اجرایی قانون راهنمایی و رانندگی است تا با وضع مقررات شفاف، شرایط صدور گواهینامه موتور برای بانوان با لحاظ ملاحظات فرهنگی و اجتماعی فراهم گردد. این اصلاح، علاوه بر رعایت اصول قانون اساسی و رفع تبعیض جنسیتی، در عمل منجر به افزایش ایمنی، تحت پوشش قرار گرفتن بیمه و کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از موتورسواری غیرقانونی بانوان خواهد شد.

خانم عزیزی گفت: اکنون نوبت قانون گذاران و سیاست گذاران است که پاسخگوی این مطالبه اجتماعی باشند؛ مطالبه ای که نه تنها مطالبه زنان بلکه نشانه ای از پویایی اجتماعی و حرکت به سمت تساوی و عدالت جنسیتی در جامعه ایران است.

قانونی برای صدور گواهینامه موتور سیکلت بانوان تدوین نشده است

در ادامه نیز موسوی زوارق خاطرنشان کرد: تاکنون قانون لازم برای صدور رسمی گواهینامه موتور برای بانوان در ایران به تصویب نرسیده است و فتوای علما در این خصوص و همچنین نظر مقام معظم رهبری درباره موتورسواری بانوان این است که در صورتی که موتورسواری به گونه ای نباشد که جلب نظر نامحرم شود یا مفسده ای به آن مترتب نباشد، جایز است.

وی ادامه داد: در واقع، مقام معظم رهبری تفاوتی میان دوچرخه سواری، موتورسواری و سایر وسایل حمل و نقل، به شرط رعایت موازین شرعی و عرفی، قائل نیستند.

این حقوقدان مطرح کرد: نتیجه عمل موتورسواری بانوان از نظر قانونی و شرعی هیچ اشکالی ندارد؛ اما از آنجایی که قانونی برای صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان تدوین نشده است، با بانوان موتورسوار بدون گواهینامه مثل مردان موتورسواری که گواهینامه ندارند برخورد می شود. به همین دلیل باید ممنوعیت موتورسواری بانوان را بیشتر به عدم صدور گواهینامه مربوط دانست.

وی در پاسخ به این پرسش که «دلایل ممنوعیت موتورسواری بانوان چیست»، گفت: ماده ۲۰ مهم ترین تخلفات رانندگی با موتور را شرح داده و به مجازات این تخلفات و همچنین یکسان بودن قوانین عمومی حمل و نقل بین خودروها و موتورسیکلت ها پرداخته است.

موسوی زوارق ادامه داد: این ماده یک تبصره یک خطی دارد که می گوید «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است». نیروی انتظامی با استناد به این قانون از صدور گواهینامه موتور برای بانوان شانه خالی می کند و بر کلمه «مردان» در این تبصره تأکید دارد.

این حقوقدان مطرح کرد: از طرف دیگر نیروی انتظامی تنها مرجع صادرکننده گواهینامه خودرو و موتورسیکلت در ایران است و بانوان برای گرفتن گواهینامه موتور نمی توانند به مرجع دیگری مراجعه کنند. این در حالی است که رانندگی خودرو و دوچرخه برای بانوان ممنوعیتی ندارد و آن ها در صورت داشتن شرایط لازم می توانند تمامی انواع گواهینامه پایه یک تا سه و ویژه را بگیرند.

وی اذعان داشت: ممنوعیت موتورسواری بانوان با برخی زیر تناقض آشکار دارد و همین تناقض شرایط گواهینامه بانوان موتورسوار را پیچیده تر کرده است که شامل این است که در قانون مجازات اسلامی، موتورسواری بانوان جرم انگاری نشده است و براساس بند ۲ این قانون، رفتاری نیست که عمل یا ترک فعل آن شامل مجازات شود.

موسوی زوارق افزود: براساس ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی، هر کسی بخواهد هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی را براند باید گواهینامه مرتبط با آن را دریافت کند. در غیر این صورت؛ با او مطابق قوانین برخورد خواهد شد. در این قانون اشاره ای به جنسیت نشده و بنابراین بانوان برای راندن موتور سیکلت باید گواهینامه ویژه آن را بگیرند.

این حقوقدان عنوان کرد: این تناقضات باعث شد تا یک بانوی اصفهانی در سال ۱۳۹۸ شکایتی را علیه پلیس راهور تنظیم کند؛ اما شکایت او به جایی نرسید. با وجود حکم دادگاه بدوی در مورد الزام صدور گواهینامه برای این بانو، پلیس راهور در دادگاه تجدیدنظر موفق شد حکم را نقض کند. انتشار اولین شایعات در مورد رفع ممنوعیت موتورسواری بانوان به زمان صدور حکم دادگاه بدوی برمی گردد.

وی تشریح کرد: ممنوعیت موتورسواری بانوان باعث شده است که خانم های موتورسوار در صورت متوقف شدن توسط پلیس راهور با جرایم و مجازات های مربوط به رانندگی بدون گواهینامه روبرو شوند.

موسوی زوارق اضافه کرد: این جرایم بین آقایان و خانم ها یکی است و شامل موارد مختلفی می شود که عبارتند از توقیف وسیله نقلیه و معرفی راننده به مراجع قضایی، حبس تعزیری تا ۲ ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون تومان یا هر دو، حبس تعزیری ۲ تا ۶ ماه در صورت تکرار مجدد و همچنین در صورت بروز خسارات جانی منجر به فوت، راننده بدون گواهینامه به قتل غیرعمد و پرداخت دیه کامل انسان (بر اساس ماه حرام یا غیرحرام) محکوم می شود.

ارائه گواهینامه به بانوان موتورسوار، ضرورتی اجتماعی است

در ادامه نیز صالحی در اینباره ابراز داشت: موضوع موتورسواری بانوان در کشور سال هاست که مانند بسیاری از موضوعات حقوقی دارای ابهاماتی است در حالیکه از نگاه حقوقی هیچ و قانونی به طور صریح منعی برای موتورسواری بانوان وجود ندارد.

وی بیان کرد: به نوعی می توان گفت که در مفهوم جرم با تعریف ماده ۲ قانون مجازات که «هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون اساسی برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود»، قرار نمی گیرد.

این وکیل پایه یک دادگستری عنوان کرد: در خصوص فعل موتورسواری بانوان جرم انگاری نشده و مجازاتی نیز تعیین نگردیده است بنابراین با استناد به موارد مذکور موتورسواری بانوان در ایران می تواند مجاز باشد و از طرفی نیز در قوانین راهنمایی و رانندگی برای اخذ گواهینامه هیچ اشاره ای به جنسیت نشده و صرفا مواردی دیگری را مدنظر قرار داده است که در ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی نیز صرفا به رانندگی با گواهینامه بدون ذکر جنسیت تأکید شده است.

وی اضافه کرد: ظاهرا آنچه موجب شده تا پلیس راهور نتواند به بانوان گواهینامه موتورسیکلت بدهد تبصره ۲۰ قانون تخلفات راهنمایی و رانندگی است که ملزم گردیده برای مردان گواهینامه صادر نماید و نکته دیگر اینکه در تعیین مجازات افراد بدون گواهینامه نیز هیچ تفاوتی بین راکب زن یا مرد وجود ندارد و برای تمامی متخلفین فارغ از جنسیت لازم الاجراست.

صالحی در پاسخ به این پرسش که «سوال این است که اگر موتورسواری بانوان دارای ایراد قانونی و یا شرعی است چرا تیم ملی موتورسواری بانوان در مسابقات بین المللی شرکت می کند»، گفت: به نظر می رسد آنچه مانع موتورسواری بانوان باشد احکام شرع باشد که خود موافقین و مخالفین دارد.

این وکیل پایه یک دادگستری ادامه داد: از نگاه احکام شرعی گروهی عنوان می کنند که موتورسواری اقتضائاتی دارد که رعایت حجاب کامل زنان در آن ممکن نیست و سوار شدن زنان بر زین موتور باعث جلب توجه نامحرم می شود و مجاز نیست. در رد این نظر می توان گفت که در طول تاریخ اسلام شواهد بسیاری وجود دارد که زنان مسلمان بر زین اسب سوار شده و امری عادی و رایج بوده است، بنابراین اسب سواری و نوع سوار شدن بر زین اسب با موتورسیکلت به دلیل شباهت زیاد نمی تواند محدودیت شرعی داشته باشد.



وی توصیه کرد: شایسته است در خصوص ابهامات موتورسواری زنان از لحاظ احکام شرعی استفتا گردد، هرچند به نظر می رسد مخالفت شرعی نباید وجود داشته باشد.

صالحی می گوید: امروزه نوع ارگونومی و طراحی موتورسیکلت به نحوی است که برای بانوان بسیار مناسب بوده و همان ایراد شرعی و اقتضائات نیز پوشش داده شده است. تاکنون نیز هیچ مرجعی بصورت واضح علت دقیق ممنوعیت موتورسواری بانوان را بیان نکرده است.

این وکیل پایه یک دادگستری توضیح داد: در حالیکه نیمی از جمعیت کشور را بانوان تشکیل می دهند و به دلیل شرایط موجود جذابیت های خاص و تردد و ایاب و ذهاب درون شهری و مسافت های کوتاه و همچنین تولید موتورسیکلت های سبک مثل اسکوترها و موتورهای برقی در رنگها و طرح های متفاوت و مناسب که رانندگی با آنها بسیار ساده و راحت است باعث ترغیب بانوان به استفاده از این وسیله نقلیه شده است.

وی ادامه داد: سیاست یک بام دو هوا متاسفانه باعث بروز مشکلات عدیده خواهد شد چون موتورسواری بانوان در پیست کاملا آزاد است اما در شهر با مشکل مواجه می شوند.

صالحی مطرح کرد: حال چنانچه راکب زن که بدون گواهینامه نیز هست موجب تصادف با اشخاص گردد و مقصر حادثه باشد خسارات مالی و جانی زیان دیده را چه کسی باید بپردازد؟ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در ایران، به ویژه تبصره ۱ ماده ۲۰ آن که صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت را فقط برای مردان مجاز می داند، موجب ایجاد مشکلاتی برای بانوان موتورسوار شده است.

این وکیل پایه یک دادگستری بیان کرد: ارائه گواهینامه به بانوان موتورسوار، ضرورتی اجتماعی و پاسخی به نیاز روز جامعه است و بانوان با وجود علاقه به موتورسواری، به دلیل این قانون نتوانسته اند گواهینامه موتورسیکلت دریافت کنند. در خبرها آمده بود که در پی این وضعیت، بانوان موتورسوار مقصر در حوادث رانندگی شناسایی شده اند و صندوق تأمین خسارت های بدنی بالغ بر ۷ میلیارد تومان خسارت پرداخت کرده است.

وی تصریح کرد: با توجه به افزایش استفاده از موتورسیکلت های کوچک توسط زنان، دولت باید برای اصلاح این قانون و صدور گواهینامه برای بانوان تسریعا اقدام نماید.

صالحی متذکر شد: با توجه به این که زنان فاقد گواهینامه هستند، امکان دریافت بیمه نامه برای آن ها وجود ندارد بنابراین در صورت بروز حادثه، خسارت وارده به اشخاص ثالث از محل صندوق پرداخت شده و این امر موجب تحمیل هزینه های قابل توجهی به منابع عمومی شده است.»

وی اضافه کرد: نکته مهم در راستای قانون مداری نیز نشان می دهد بانوان در استفاده از تجهیزات ایمنی مانند کلاه ایمنی اهتمام بیشتری دارند، لذا عدم امکان صدور گواهینامه، نه تنها موجب محرومیت بانوان از حق قانونی آن ها شده، بلکه در صورت بروز حادثه، صندوق پرداخت خسارت های بدنی را با مسئولیتی تحمیلی روبرو می کند که در جهت تضییع حقوق عامه و نوعی هدررفت بیت المال است.

این وکیل پایه یک دادگستری گفت: در شرایط فعلی، صندوق تأمین خسارت های بدنی موظف است خسارت وارده به زیان دیدگان را جبران کند، اما به دلیل قانونی بودن ممنوعیت، امکان دریافت خسارت از فرد مقصر نیز وجود ندارد، بنابراین رفع ابهام در این خصوص امری بسیار واجب و مهم بوده که مراجع قانونگذاری با ورود به این خلاء قانونی و حل چالش ها موجب شوند زنان سرزمین و علاقمندان از حقوق قانونی برخوردار شوند.

وی در پایان گفت: در آخر نیز الزاما باید طبق اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی که همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. عمل گردد. به نظر می رسد با مذاقه قراردادن اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصلاح و بازنگری در رفع ممنوعیت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان ضمن احترام به تمامی افراد کشور اقدامی عملی و پاسخی قانونی به مطالبات بانوان و تحولی حقوقی منجر گردد.

آیا رسیدگی به جرائم درجه ۷ و ۸ اطفال و اشخاص زیر ۱۵ سال تمام شسمی در صلاحیت دادگاه صلح است؟

پاسخ: نظر به ماده ۳۰۴ و تبصره ۱ ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی به جرائم افراد زیر ۱۵ سال اعم از درجه ۷ و ۸ در این دادگاه رسیدگی می‌شود و رسیدگی به جرائم درجه ۷ و ۸ و خارج از صلاحیت دادگاه صلح می‌باشد لکن در صورت عدم تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان با توجه ذیل تبصره ماده ۲۹۸ که مقرر می‌دارد به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جزء جرائم مشمول ماده ۳۱۵ این قانون در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود: رسیدگی به جرائم درجه ۷ و ۸ در فرض عدم تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد.



حمیدرضا به‌گذر
وکیل پایه یک دادگستری

نقش وزارت ورزش در جلوگیری از ایجاد فساد

و لیست بدهی‌ها را راه‌اندازی کند.

مثال: انتشار عمومی قراردادهای پرسپولیس و استقلال در سامانه وزارت ورزش، مانند سامانه شفافیت شهرداری.

۳. اصلاح ساختار باشگاه‌داری و جلوگیری از تعارض منافع. تداوم مدیریت دولتی باشگاه‌های بزرگ، خود زمینه‌ساز فساد است. وزارت ورزش باید خصوصی‌سازی واقعی و اصولی باشگاه‌ها را با جدیت دنبال کند تا رانت، نفوذ سیاسی و رفاقت‌سالاری در مدیریت باشگاه‌ها از بین برود.

مثال: خصوصی‌سازی اصولی پرسپولیس و استقلال، نه فقط از طریق عرضه سهام، بلکه با واگذاری مدیریت اجرایی به بخش خصوصی کارآمد.

۴. تدوین و اجرای آیین‌نامه‌های ضدفساد

وزارت می‌تواند آیین‌نامه‌هایی برای:

- تعارض منافع مدیران
- سقف قرارداد بازیکنان و مربیان
- منع دریافت و پرداخت غیرقانونی پورسانت
- نحوه جذب بازیکنان خارجی
- تصویب و بر عملکرد باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها در این زمینه‌ها نظارت کند.

۵. حمایت از نهادهای ناظر، رسانه‌ها و افشاگران فساد

وزارت ورزش می‌تواند با:

- حمایت از خبرنگاران ورزشی مستقل
- تأسیس «کمیته ملی گزارشگری فساد در ورزش»
- حمایت حقوقی از افشاگران فساد (whistleblowers)
- به کاهش هراس از افشاکاری و افزایش نظارت مردمی کمک کند.

نقش وزارت ورزش و جوانان در جلوگیری از ایجاد فساد در فوتبال، اگرچه تاکنون با انتقاداتی همراه بوده، اما در چارچوب قانونی و ساختار حاکمیتی کشور، این وزارتخانه مسئولیت مستقیم و مهمی در پیشگیری، شفاف‌سازی و مبارزه با فساد در ورزش، به‌ویژه فوتبال دارد. این نقش به‌صورت بالقوه بسیار مؤثر است، مشروط بر اینکه وزارتخانه وظایف نظارتی و مدیریتی خود را به‌درستی ایفا کند. در ادامه، نقش‌های وزارت ورزش در جلوگیری از فساد را در محورهای مختلف بررسی می‌کنیم:

۱. نقش نظارتی (Supervisory Role)

وزارت ورزش به‌عنوان نهاد ناظر بر فدراسیون‌های ورزشی و باشگاه‌های دولتی، باید نظارت مؤثر، مداوم و مستند بر:

- بودجه‌ها و هزینه‌ها
- قراردادهای ورزشی (مربیان، بازیکنان خارجی و داخلی)
- فرآیندهای نقل‌وانتقال
- مزایده‌ها، مناقصه‌ها و اسپانسرینگ

داشته باشد.

مثال: کنترل بر نحوه عقد قرارداد با مربیان خارجی مانند ویلموتس یا کالدرون و جلوگیری از بستن قراردادهای غیرشفاف.

۲. ایجاد و توسعه سازوکارهای شفافیت مالی

وزارت ورزش می‌تواند (و باید):

- باشگاه‌های تحت مدیریت خود را ملزم به ارائه صورت‌های مالی سالانه کند.
- حسابرسی دقیق مالی توسط نهادهای مستقل را اجرا کند.
- سامانه‌های شفاف‌سازی مالی مانند انتشار قراردادهای پرداخت‌ها

یادداشت

قلمرو حضانت



سمیه ساریخانی
وکیل پایه یک دادگستری

در مور اسناد هویت طفل مانند کارت ملی، شناسنامه، دفترچه بیمه، گذرنامه و ... در اختیار حاضنه قرار می‌گیرد یا ولی؟
۳- در صورتی که معتقد باشیم که ولی زوج باید اسناد را به حاضنه بدهد و او امتناع از این تکلیف نماید آیا چه ضمانت اجرایی دارد؟ آیا نقض حق حضانت تلقی می‌شود؟

حضانت به معنی داشتن سلطه و اختیار تصمیم‌گیری در خصوص تربیت روحی و جسمی کودک است. لذا هر آنچه اسباب اعمال این سلطه و اختیارات است و با آن ملازمه دارد، باید در اختیار حاضن قرار گیرد لذا اسناد هویت کودک و دفترچه بیمه وی که از جمله در راستای رفع نیازهای آموزشی، تربیتی و درمانی کودک است، باید در اختیار حاضن قرار گیرد؛ اما در خصوص اسنادی نظیر گذرنامه، از آن جا که قانونگذار برای فرض طلاق زوجین و خروج کودک تحت حضانت از کشور الزاماتی پیش‌بینی کرده است (ماده ۴۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱) هرچند تحویل این سند به حاضن منعی ندارد؛ اما در فرض یادشده اقدام حاضن مبنی بر خارج کردن کودک از کشور باید در راستای توافق زوجین و یا با اعمال ماده قانونی مذکور باشد و در صورت امتناع ولی کودک از تحویل اسناد هویتی، تحصیلی و درمانی به حاضن، از منظر حقوقی دعوی الزام‌ولی قهری به تحویل اینگونه اسناد قابل استماع است و در فرض صدور حکم مبنی بر الزام به تحویل اسناد موضوع استعلام، تخلف از اجرای رأی از سوی محکوم علیه تابع عمومات مقرر قانونی است.



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

راننده اتوبوس ایرانی مسافران ایرانی را سوار کرده و از مرز خارج کرده است و علی‌رغم اینکه موظف بوده در هنگام خروج مبادرت به اخذ بیمه نامه کند چنین اقدامی به عمل نیاورده و فقط بیمه نامه داخل کشور داشته است و پس از خروج از مرز تصادف کرده که منجر به فوت و جرح مسافران شده است و مقصر حادثه هم راننده مذکور است با توجه به اینکه شرکت بیمه داخلی به دلیل عدم شمول تعهدات خود به خارج از کشور از پرداخت دیه خودداری می‌کند آیا امکان پرداخت خسارت افراد زیان



ناز اکبری
وکیل پایه یک دادگستری

چنانچه افرادی که از هم ارث می‌برند در زمان واحد فوت کنند و تاریخ تقدم و تأخر فوت هیچ یک مشخص نباشد و علت مرگ هم غیر از غرق و هدم باشد و در اثر حوادث طبیعی مانند آتش‌سوزی و یا به سبب جنگ، تصادف، سقوط هواپیما و مانند آن فوت کنند، آیا می‌توان حکم غرق و هدم را به این افراد

یادداشت

تقدم و تأخر فوت کنندگان

رانندگی در کشور خارجی بدون بیمه نامه معتبر

دیده از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی موضوع قانون بیمه اجباری وجود دارد یا خیر؟
با توجه به اطلاق عبارت «فقدان یا انقضای بیمه نامه» در ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ که شامل بیمه‌نامه‌های ماده ۷ قانون یاد شده می‌گردد و لحاظ اینکه بیمه‌نامه‌های مذکور جزو منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی می‌باشد و نیز با عنایت به حمایتی بودن قانون فوق‌الذکر نسبت به زیان دیدگان حوادث رانندگی (خروج وسیله نقلیه ایرانی از کشور و ورود آسیب جانی بر اشخاص ثالث ایرانی) مشمول تعهدات صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است و زیان دیدگان یا ورثه آنها می‌تواند مطالبه خسارت نماید

تعمیم داد و آن‌ها را مشمول این حکم دانست؟

در قانون مدنی تعریف واژه هدم به عمل نیامده است؛ اما با توجه به فتوای امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله (جلد ۲ در کتاب موارث، میراث الغرقى و المهدوم‌علیه) و نظر آیت‌اله العظمی سیستانی در جلد سوم منهاج‌الصالحین، انفجار و انهدام وسیله نقلیه (اتومبیل، قطار، هواپیما و...) می‌تواند از مصادیق آن باشد. بدیهی است هدم و احکام مترتب بر آن صرفاً در مواردی قابلیت اعمال و اجرا دارد که فوت در اثر حادثه‌ای مانند مصادیق فوق به وقوع پیوسته باشد و لذا مواردی مانند مرگ در اثر بیماری که مرگ در اثر یک حادثه نمی‌باشد و تقدم و تأخر فوت کنندگان قابلیت بررسی و تعیین دارد را شامل نمی‌شود.

آفتاب حقوقی

همراه با حقوقدانان (وکلا، کارشناسان رسمی، اساتید و کارآموزان وکالت) در آفتاب حقوقی

مشاوره‌های حقوقی در سراسر کشور (کیفری - حقوقی)



املاک - خانواده - ثبت - جرائم مطبوعاتی - امور گمرکی - موادمخدر - بورس و اوراق بهادار - رمز ارز - کلاهبرداری - امور مالیاتی - تصادفات - ضرب و جرح - تهدید - قتل - جعل - نشر اکاذیب - جرائم پزشکی - جرائم اقتصادی - جرائم رایانه‌ای - ورود به عنف - تصرف عدوانی - مزاحمت - ممانعت از حق - مشارکت در ساخت - جرائم سازمان یافته - آدم ربایی - سرقت - جعل عنوان - چک - توقیف غیرقانونی - دیه - تحصیل مال از طریق نامشروع - تعزیرات - کمیسیون ماده ۱۰۰ - منابع طبیعی - محیط زیست - خیانت در امانت - قراردادهای و ...

آفتاب حقوقی از وکلا، کارشناسان رسمی، کارآموزان وکالت، اساتید و دانشجویان حقوق در سراسر کشور جهت ارائه محتوای حقوقی، نقد آرای قضایی و مشاوره حقوقی دعوت به همکاری می‌نماید

جهت ارتباط کلمه «آفتاب حقوقی» را به شماره ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ پیامک نمایید

مدیر مسئول: منصور مظفری (وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی)

تلفن: ۸۸۳۲۸۷۴۳ و ۸۸۳۲۲۱۶۰ - ۰۲۱ واتساپ و ایتا و تلگرام: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

Aftab.yz@gmail.com Mozafari.lawyer1970@gmail.com

تهران، خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰، طبقه اول، واحد ۱

در صورت افزایش خواسته در جلسه اول به بیش از نصاب دادگاه صلح آیا پرونده از صلاحیت دادگاه صلح خارج می شود؟
پاسخ: در صورتی که بر اساس ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان میزان خواسته دعوی مالی خود را که در دادگاه صلح مطرح کرده است تا پایان جلسه اول دادرسی با رعایت شرایط مقرر در ماده مذکور به بیش از حد نصاب صلاحیت دادگاه صلح افزایش دهد یکی از آثار افزایش خواسته تغییر در صلاحیت دادگاه خواهد بود و دادگاه صلح بایستی از خود نفی صلاحیت نموده و پرونده را به دادگاه عمومی حقوقی ارسال نماید.

یادداشت حقوقی

سه‌شنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ • سال دوم • شماره ۱۰۷

مسئولیت پدر در صورت رانندگی بدون گواهینامه فرزند چیست؟

پاسخ مبنی بر مسئولیت پدر در صورت رانندگی بدون گواهینامه فرزند:

در فرض سؤال که مالک با حضور در خودرو، رانندگی خودرو را در اختیار فرزند خود قرار داده است، با عنایت به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ چنانچه فرزند وی صغیر باشد، مسئولیت جبران خسارت متوجه پدر (مالک) می‌باشد و در صورتیکه فرزند صغیر نباشد، مسئولیت متوجه فرزند است. بدیهی است در فرض سؤال با لحاظ تاریخ وقوع حادثه، عموماً حاکم بر قانون بیمه اجباری و جبران خسارت وارده ناشی از حوادث رانندگی نیز مجرا خواهد بود.



خسارت مالی به خودروی شخص ثالث رخ بدهد، آیا مالک در جبران خسارت وارده، با راننده مسئولیت تضامنی دارد؟

مالک با حضور در خودرو، رانندگی خودرو را در اختیار فرزند خود قرار داده و در صورت تصادف چنانچه فرزند وی صغیر باشد، مسئولیت جبران خسارت متوجه پدر (مالک) می‌باشد و در صورتی که فرزند صغیر نباشد، مسئولیت متوجه فرزند است.

سوال در خصوص مسئولیت پدر در قبال رانندگی بدون گواهینامه فرزند:

با عنایت به تبصره ۲ ماده یک قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث مصوب، ۱۳۸۷ چنانچه مالک و دارنده وسیله نقلیه با علم به اینکه فرزندش فاقد گواهینامه رانندگی است، خودرو را در اختیار وی قرار دهد و خود در وسیله نقلیه حضور یابد و تصادف و ایراد

تفاوت های ماده ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری در چیست

عباس بهرامی
وکیل پایه یک دادگستری



جعل یا شهادت کذب مؤثر در حکم، اسناد جدید، اشتباه قاضی، ارتکاب جرم توسط قاضی، صدور حکم در موضوعی که قبلاً نسبت به آن رسیدگی شده باشد و حکم قطعی صادر شده.

ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری

موضوع: اعاده دادرسی استثنایی (اعمال ماده ۴۷۷)
منظور: بازنگری در حکم قطعی به دلیل خلاف شرع بودن رأی صادره.
متقاضی: رئیس قوه قضائیه یا با درخواست اشخاص (از طریق دادستان کل کشور یا رئیس دیوان عالی کشور).
مرجع تشخیص: شخص رئیس قوه قضائیه.
مرجع رسیدگی نهایی: شعب خاصی از دیوان عالی کشور یا سایر مراجع قضایی طبق دستور رئیس قوه.
جدول مقایسه‌ای ماده ۴۷۴ و ۴۷۷

ویژگی ماده ۴۷۴ ماده ۴۷۷

نوع اعاده دادرسی عادی (قانونی) استثنایی (خلاف شرع بودن) مرجع درخواست‌کننده محکوم‌علیه، وکیل، دادستان رئیس قوه قضائیه (مستقیماً یا با واسطه) مرجع رسیدگی دیوان عالی کشور شعب خاص دیوان یا سایر مراجع طبق نظر رئیس قوه شرایط درخواست جهات مصرح در ماده ۴۷۴ فقط در صورت

تفاوت‌های ماده ۴۷۴ و ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی) از مهم‌ترین مباحث در حوزه اعاده دادرسی در امور کیفری هستند. هر دو ماده به بازنگری در احکام قطعی کیفری اختصاص دارند، اما از حیث ماهیت، مرجع رسیدگی، شرایط، آثار، و روند اجرایی تفاوت‌های اساسی دارند.

در ادامه تفاوت‌های این دو ماده را به صورت تحلیلی، دقیق و جدول‌وار بررسی می‌کنیم:

ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری

موضوع: اعاده دادرسی معمول (عادی)
منظور: بازنگری در حکم قطعی صادره، بر اساس جهات قانونی مشخص‌شده در خود قانون.
متقاضی: محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او، دادستان.
مرجع رسیدگی: دیوان عالی کشور.
شرایط و موارد درخواست (جهات اعاده):
مطابق ماده ۴۷۴، جهاتی مانند:
وجود تعارض در دو حکم قطعی،

خلاف شرع بودن رأی

امکان تعدد درخواست محدود (در صورت نبود جهات، مردود می‌شود) در عمل گسترده‌تر، بعضاً تکرارپذیر
نوع احکام قابل رسیدگی فقط احکام قطعی کیفری احکام قطعی کیفری (و حتی بعضاً حقوقی در عمل)
فرآیند اجرا ساختارمند و قانونی، با تشکیل هیأت مبتنی بر صلاحیت رئیس قوه

هدف اصلی رفع اشتباهات قانونی در صدور رأی جلوگیری از اجرای حکمی که خلاف شرع است

نکات تکمیلی مهم:

در ماده ۴۷۴، تمرکز بر دلایل قانونی و قضایی جدید برای بازنگری است؛ مثلاً کشف سند یا جعل.
در ماده ۴۷۷، تنها معیار خلاف شرع بودن رأی است؛ یعنی رأی برخلاف نص صریح قرآن، روایات معتبر یا اجماع فقها.
ماده ۴۷۷ راهی استثنایی، غیرقابل پیش‌بینی، و مبتنی بر تشخیص شخص رئیس قوه قضائیه است.
روند رسیدگی در ماده ۴۷۷ اغلب طولانی‌تر و دشوارتر است؛ اما در صورت قبول، اثر آن قوی‌تر است.

نتیجه‌گیری:

| اگر رأی صادره دارای اشتباه قانونی یا قضایی باشد → ماده ۴۷۴ مناسب است. |
| اگر رأی صادره دارای ایراد شرعی (خلاف شرع بودن) باشد → ماده ۴۷۷ اعمال می‌شود

ثالث بر اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ تعریف نشده ولی از نظر عرف جامعه سرنشینان اتومبیل کلیه افرادی محسوب می‌شوند که در هر قسمت ماشین اعم از کابین و قسمت بار ماشین سوار شده باشند در حال حاضر نیز افرادی که مازاد بر ظرفیت اتوبوس و سایر اتومبیل‌ها سوار می‌شوند مشمول تعریف سرنشین بوده و در صورت بروز تصادف مجاز هستند برای دریافت دیات مربوط به خود به شرکت بیمه مراجعه نمایند و شرکت‌های بیمه مکلف به پرداخت کلیه زیانهای وارده به افراد سرنشین مطابق قانون خواهند بود و با توجه به مقررات عمومی راجع به اجرای احکام در صورت عدم پرداخت دیه و خسارت توسط بیمه گر علاوه بر پرداخت جریمه در حق زیان دیده طبق ماده ۳۳ و همچنین مجازات انتظامی موضوع ماده ۵۷ قانون یاد شده، مانعی در توقیف اموال یا برداشت از حسابهای بیمه گر مطابق قانون اجرای احکام و نحوه اجرای محکومیت‌های مالی وجود ندارد.

ثالث در ماده یک قانون فوق‌الذکر خصوصاً تبصره ۶ آن شده است و ماده ۷ این قانون که موارد استثناء شده را احصاء کرده و اشاره ای به عدم شمول افرادی که در قسمت بار خودرو باشند ننموده لذا مستدعی است اعلام فرمایید. ۱- افرادی که در قسمت بار خودروی های بارکش مانند وانت نیسان بوده و مصدوم یا فوت می‌شوند شخص ثالث محسوب و مشمول قانون بیمه اجباری هستند یا مشمول ماده ۱۰ قانون فوق‌الذکر؟ ۲- با توجه به تکلیف این قانون مبنی بر پذیرش بیمه نامه هایی که اصالت آنها تایید شده به عنوان وثیقه چنانچه شرکت های بیمه گر از پرداخت دیات متعلقه به هر دلیل استنکاف نمایند وفق ماده ۲۲۴ قانون آئین نامه دادرسی کیفری مصوب ۹۲ می‌توان نسبت به ضبط وثیقه از اموال شرکت های بیمه اقدام نمود و به میزان دیات متعلقه از موجودی حساب آن ها برداشت کرد یا خیر؟
سرنشین در قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص

استنکاف بیمه از پرداخت دیه

نظر به اینکه شرکت های بیمه از پرداخت دیه اشخاصی که در قسمت بار خودروهای بارکش زبان می‌بینید خودداری می‌کنند و با این استدلال که مطابق ماده ۵ آئین نامه شماره ۵۶ شورای عالی بیمه چنانچه متوفی خارج از کابین بوده باشد تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد و با استناد به ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه در مقابل اشخاص شخص ثالث پرداخت دیه را در تعهد صندوق تامین خسارت های بدنی می‌دانند و از طرفی با توجه به تعریفی که از شخص



مهديه ريعتي
حقوقدان

ارزیابی حقوقی و اقتصادی بستن احتمالی تنگه هرمز در واکنش به تجاوز نظامی اسرائیل و ایالات متحده به ایران



دکترمانده چینی ساز
وکیل پایه یک دادگستری

بود چرا که علاوه بر تغییر دیپلماسی قدرت و افزایش قیمت های جهانی نفت و طلا و ... و ورشکستگی، معاملات بین المللی تغییر اساسی خواهد کرد.

نتیجه گیری

رژیم صهیونیستی علاوه بر تعدی و نقض کلیه حقوق بین المللی و معاهدات جهانی با کمک مستقیم نظامی ایالات متحده، جبهه های تعدی در جنوب ایران گشوده است تا نه فقط به زیرساخت دفاعی ایران ضربه بزند، بلکه کل اقتصاد جهانی را در معرض ریسک قرار دهد. طبق قواعد آمره حقوق بین الملل، این اقدام مصداق «تجاوز» است و حق دفاع مشروع ایران را فعال می کند؛ دفاعی که به موجب آن، تهران می تواند به طور موقت و متناسب عبور از تنگه هرمز را برای طرف های متخاصم تعلیق یا محدود نماید. پیامد اقتصادی چنین اقدامی، جهش فوری قیمت نفت، کاهش رشد اقتصادهای واردکننده و تغییر موازنه دیپلماتیک به زبان آمریکا و شرکایش خواهد بود.

از منظر سیاستی نیز، محدودسازی تنگه هرمز، علاوه بر دفاع مشروع (ماده ۵۱) یک رفتار متقابل است که تحت دکترین «اقدامات متقابل غیرزورمند» (Counter-measures) در حقوق مسئولیت دولت ها، ایران می تواند تعهد خود به «عبور ترانزیتی» را موقتاً معلق کند تا متجاوز را به توقف اقدامات غیرقانونی وادار؛ مشروط به آنکه اقدام، متناسب و برگشت پذیر باشد. بستن تنگه هرمز یک واکنش مشروع و محتمل خواهد بود که هزینه آن بر دوش طراحان جنگ تحمیل خواهد بود.



آمریکا می کاهد و کسری بودجه انرژی محور را تشدید می کند و این اتفاق برای بازیگران متخاصم به مراتب فراتر از هزینه یک عملیات نظامی محدود، خواهد بود؛ چراکه بازار جهانی نفت در کوتاه مدت فاقد ظرفیت مازاد کافی برای جبران افت ۱۵ میلیون بشکه ای است و در مقابل واکنش سنتی بازارها یعنی افزایش هم زمان بهای طلا و دارایی های امن (U.S. Treasuries) را با خود به همراه خواهد داشت؛ زیرا سرمایه گذاران برای پوشش تورمی و ریسک ژئوپولیتیک به این دارایی ها پناه می برند. از سوی دیگر با جهش قیمت نفت، کشورهای واردکننده صرف به ویژه چین، هند و ژاپن احتمالاً فشار دیپلماتیک فزاینده ای برای تنش زدایی اعمال خواهند کرد؛ روندی که می تواند آمریکا را از فضای تصمیم گیری یک سویه دور کند. و اینها فقط بخش جزئی از آسیب های احتمالی برای کشورهای متخاصم خواهد

تشدید حملات رژیم صهیونیستی به خاک ایران و ورود مستقیم ارتش ایالات متحده که از ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ با بمباران سه مجتمع اتمی ایران تحت عنوان «عملیات چکش نیمه شب» علنی شد فضای امنیتی منطقه خلیج فارس را به آستانه یک جنگ تمام عیار کشانده است. بر اساس حقوق بین الملل، تنگه هرمز «تنگه مورد استفاده برای کشتیرانی بین المللی» تلقی می شود و اصل عبور ترانزیتی بر آن حاکم است؛ اما در صورت وقوع «حمله مسلحانه»، دولت ساحلی مجاز است در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد و قواعد دفاع مشروع، دست به اقدامات متقابل از جمله تعلیق عبور ترانزیتی بزند. با توجه به اینکه بیش از یک چهارم نفت دریا برد جهان و حدود یک پنجم تجارت گاز مایع از این گذرگاه عبور می کند، هر گونه انسداد، شوک قیمتی شدی ... و اگر تنگه هرمز به هر علتی بسته یا محدود شود آمریکا به دور از پیامدهای این اقدام نخواهد ماند. برخی از اقتصاددانان جهان در تحلیل این موضوع بیان کردند که این قضیه به شدت تاثیر مستقیم بر روی قیمت نفت و طلا و ... میگذارد که تخمین زدند جهان قیمت حداقل ۱۵۰ دلار برای هر بشکه نفت را خواهد دید و این ضرر برای کشورهای که اقتصادشان بر مبنای نفت است به مراتب بیش از جنگ خواهد بود. به عنوان مثال کریل دیمیتروویف رئیس صندوق سرمایه گذاری های مستقیم روسیه بیان داشت که آمریکا در صورت بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران از افزایش شدید قیمت سوخت رنج خواهد برد چرا که هر ۱۰ دلار جهش پایدار در بهای نفت، حدود ۰/۲۵ درصد از رشد سالانه تولید ناخالص داخلی

یادداشت

دادگستری عائله نوجوان تحت سرپرستی



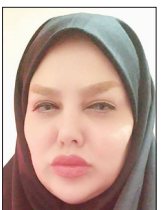
نگار نظری
وکیل پایه یک دادگستری

آیا کودک یا نوجوان تحت سرپرستی جزو عائله تحت تکفل سرپرست محسوب و از تمامی مزایای قانونی برخوردار خواهد شد؟ آیا کارمند دولت که به استناد رأی قطعی دادگاه خانواده، سرپرستی افراد مذکور را به عهده گرفته است، از حق اولاد مندرج در حکم کارگزینی برخوردار می شود؟

برابر ماده ۲۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ افراد تحت حمایت این قانون را از مزایای حمایتی حق اولاد و مرخصی دوره مراقبت برای کودکان زیر سه سال (معادل مرخصی دوره زایمان) و کودک و یا نوجوان تحت سرپرستی را نیز از مجموعه مزایای بیمه و بیمه های تکمیلی وفق مقررات برخوردار دانسته است. بر این اساس چنانچه شخصی در نتیجه حکم قطعی دادگاه، سرپرستی قانونی فرد یا افرادی را بر عهده گرفته است، می تواند به صراحت ماده ۲۱ یادشده از مزایای حق اولاد مندرج در حکم کارگزینی برخوردار شود.

یادداشت

بازرسی قسمت بار کامیون



زهره راستمی
وکیل دادگستری

آیا نیروی انتظامی راسا اختیار کنترل بازرسی از قسمت بار وسایل نقلیه عمومی نظیر کامیون ها، اتوبوس ها و وانت بارها را دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ نحوه و محدودیت های مربوط به توقف و ایست دادن به خودروهای مذکور را بیان فرمائید. آیا مأمورین اداری نظارت بر اماکن عمومی نیروی انتظامی راسا اختیار کنترل و بازرسی از قسمت های عمومی واحدهای صنفی، تجاری و شرکت ها که معد برای ورود عموم افراد می باشد یا دیگر قسمت های این واحدها را دارند یا خیر؟

مستفاد از اصول ۲۲ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۶۸ و مواد ۵۵، ۴۴ و ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و بند یک و هشت ماده واحده احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۴۰ و ملاک تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ کشف و تعقیب جرایم و اقداماتی نظیر

یادداشت حقوقی

صدور گواهی حصر وراثت غیرمسلمان

مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارج باشند مجری خواهد بود «و برابر اصل سیزدهم قانون اساسی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته شده اند که در

احوال شخصیه و تعلیمات دینی تابع آیین خودشان می باشند. بنابراین ایرانیانی که پیرو ادیان شناخته شده نمی باشند در کلیه قوانین و مقررات از جمله احوال شخصیه تابع قوانین و مقررات کشور می باشند. بدیهی است احکام خاص مربوط به کفر و اسلام مانند ماده ۸۸۱ قانون مدنی (عدم ارث کافر از مسلم و نیز به ارث رسیدن تمام میراث کافر به وارث مسلم وی) باید رعایت شود.



مرجان کریمی
وکیل پایه یک دادگستری

برابر ماده ۵ قانون مدنی کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد و برابر ماده ۶ این قانون «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در